آخر خط

رمزگشایی از سرقت‌های میلیاردی در مشهد

جلائیان| در پی گزارش سرقت میلیاردی لوازم مسروقه از یک خانه مسکونی در یکی از مناطق جنوبی شهر، پلیس موفق به دستگیری یک باند حرفه‌ای سرقت شد که پیش از این یک دستگاه خودرو هیوندا الترا و ۵۰۰ میلیون تومان لوازم را از یک خانه مسکونی سرقت کرده بودند. پیگیری این پرونده نشان داد یکی از خانواده‌های ساکن در مناطق جنوبی شهر به محض بازگشت از سفری کوتاه به خانه‌شان، متوجه ورود فرد یا افرادی به منزلشان شدند. پدر خانواده در حیاط از همسر و فرزندانش خواست با پلیس تماس بگیرند و خودش وارد ساختمان شد. تا حضور پلیس در محل سرقت، این مرد متوجه شد وسایلی با ارزش یک میلیارد تومان از جمله مقادیری طلا، یک دستگاه تلویزیون ۵۵ اینچ و تعدادی ظروف عتیقه از خانه‌شان سرقت شده است. دقایقی بعد با حضور پلیس در محل این سرقت، مأموران شروع به جمع‌آوری شواهد و مدارک به جامانده از سارقان کردند؛ شواهدی که نشان داد عاملان این سرقت چهار نفر و مظنون اصلی سرقت یک دستگاه خودرو هیوندا الترا و ۵۰۰ میلیون تومان طلا و لوازم خانگی از یک منزل مسکونی دیگر هستند. با به دست آمدن این اطلاعات، مأموران با انجام تحقیقات میدانی گسترده در محل و محدوده وقوع سرقت‌ها از میان اعضای این باند، موفق به شناسایی جوانی سی ساله و سابقه‌دار شدند. مأموران در ادامه با استفاده از شیوه‌های نوین پلیس، محل اختفای متهم را ردزنی و پس از هماهنگی با مقام قضایی، متهم و دو همدستش را در مخفیگاهشان دستگیر کردند. متهمان پس از انتقال به مقر پلیس در بازجویی اعتراف کردند که در باند خود یک همدست دیگر دارند و همه لوازم را به یک مال خر فروخته‌اند. به دنبال این اعترافات، پلیس با انجام دو عملیات ضربتی، آخرین عضو این باند و مال خر جوانی را که همه لوازم سرقتی را از این باند خریده بود، دستگیر و بخشی از لوازم مسروقه را کشف کرد. با دستگیری هر چهار عضو این باند و مال خر، تحقیقات از متهمان برای کشف جرائم احتمالی دیگر آن‌ها ادامه دارد.

روی خط حادثه

کشف ۳۳۰۰ کیلوگرم آرد یارانه‌ای در یک خانه

دیبا| پلیس وقتی به محل رسید که مردی انگار لباسی از آرد پوشیده بود و با عجله در حال تخلیه ده‌ها کیسه آرد از یک نیسان بود و کیسه‌های آرد را درون منزلی در محدوده شهرک شهید رجایی دپو می‌کرد. مأموران کلانتری شهید رجایی هنگام گشت‌زنی در محدوده استحفاظی این کلانتری با این فرد روبه‌رو شده بودند. مأموران با هماهنگی قضایی وارد عمل شدند و در بازرسی از محل، ۶۶ کیسه آرد قاچاق و خارج از شبکه توزیع به وزن ۳ تن و ۳۰۰ کیلوگرم کشف کردند. در ادامه وانت نیسان توقیف و فرد متخلف پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی به اداره تعزیرات حکومتی معرفی شد.

دعوای طلافروش و شهروند راز عجیبی داشت

سهیل دیبا| با اعلام نزاع میان یک طلافروش با یک شهروند در مشهد، مأموران کلانتری سجاد به محل اعزام شدند. با حضور مأموران انتظامی در محل و بررسی‌های اولیه مشخص شد مردی جوان قصد فروش پنج سکه یک و نیم‌گرمی طلا را در یک طلافروشی داشته که متصدی هنگام بررسی سکه‌ها، متوجه وزن کم آن‌ها شده است و با یکدیگر درگیر شده‌اند. مأموران انتظامی متهم به توزیع سکه‌های تقلبی را دستگیر کردند و در بررسی بیشتر توسط نماینده اتحادیه طلافروشان، مشخص شد سکه‌های یک و نیم‌گرمی بین ۹۰۰ سوت تا یک گرم وزن دارند. با هماهنگی قضایی، تحقیقات برای شناسایی عامل اصلی ضرب و توزیع سکه‌های تقلبی ادامه دارد.

دورشدن خطر ۶ هزار ماده محترقه از سر مشهد



شهرآرا| برخی کسبه برای اینکه بتوانند پول بیشتری به جیب بزنند، از هیچ تلاشی مضایقه نمی‌کنند و اگر بدانند فروش مواد منفجره به بهانه چهارشنبه‌سوری سود خوبی دارد، بلافاصله دست به‌کار می‌شوند؛ غافل از اینکه به راحتی در طرح ویژه پلیس مشهد برای برخورد با متخلفان در این حوزه شناسایی خواهند شد. در پی کسب خبری مبنی بر توزیع مواد محترقه خطرناک در یک واحد صنفی غیرمجاز در حوزه استحفاظی کلانتری مصلی، پیگیری موضوع در دستور کار مأموران دایره نظارت بر اماکن عمومی کلانتری مصلی قرار گرفت. مأموران پس از شناسایی محل و اطمینان از صحت موضوع، با هماهنگی مقام قضایی وارد عمل شدند و در بازرسی از محل ۶ هزار عدد مواد محترقه خطرناک و غیرمجاز را کشف کردند. این متهم پس از تشکیل پرونده به مقام قضایی معرفی شد.

دستگیری پیک مرگ در شهر

شهرآرا| فروش موادمخدر چنان سودی برایش داشت که بی‌خیال خودرو پژو ۲۰۶ شده بود و با این خودرو اقدام به جابه‌جایی مواد می‌کرد. مأموران کلانتری خواجه ربیع با کسب خبری مبنی بر تهیه و توزیع مواد افیونی با خودرو در محدوده اتوبان شهید چراغچی، وارد عمل شدند. تیم رسیدگی‌کننده پرونده پس از چند روز گشت‌زنی نامحسوس، سرانجام متهم را در حال فروش موادمخدر مشاهده کردند. مأموران انتظامی در اقدامی ضربتی ضمن دستگیری خرده‌فروش، در بازرسی از این خودرو مقادیری تریاک در قالب ۲۲۲ بسته آماده فروش کشف کردند. در ادامه خودرو پژو ۲۰۶ توقیف و متهم نیز پس از تشکیل پرونده مقدماتی برای سیر مراحل قانونی روانه دادسرا شد.

پلیس فتای مشهد در پیگیری یک پرونده، ۴ متهم را با میلیاردها تومان کلاهبرداری دستگیر کرد

زندگی لاکچری با پول دیگران!

محمدجواد ابوعطا

گزارش

چهار نفر بودند، بین ۱۹ تا ۲۵ سال. هرکدام در یک شگرد تبحر داشت؛ یکی قربانی را پیدا و دیگری او را متقاعد به واریز وجه می‌کرد، سومین نفر با پول شویی مبالغ واریزی را نقد می‌کرد و نفر آخر قطعات این پازل را کنار هم می چید و کالاهای خریده شده با پول دیگران را تحویل می‌گرفت. این متهمان که با دستور سرهنگ محمد چراغ، فرمانده انتظامی مشهد، و با تلاش کارشناسان پلیس فتای مشهد دستگیر شده‌اند، تاکنون به میلیاردها تومان شیادی از شهروندان در مشهد و دیگر شهرهای کشور اعتراف کرده‌اند.



عکس تزیینی است

سکانس اول: فروش ارزان به بهانه بدهکاری

خیلی صمیمی با مرد میان سال صحبت کرد و هنوز دقیقه‌ای از مکالمه‌شان نگذشته بود که مرد جوان سفره دلش را باز کرد و به مرد گفت: «ورشکست کرده‌ام و طلبکارها پاشنه خانه‌ام را کنده‌اند. برای همین دارم دارو ندارم را می‌فروشم. ماشینم بیشتر می‌ارزد و خودم می دانم، ولی باید خیلی فوری پول جور کنم، وگرنه نمی دانم چه به سر خودم و خانواده‌ام می‌آید.» این جوان در ضمن صحبت هایش مدعی شد که از صبح خیلی ها با او تماس گرفته اند و خواسته اند ماشین را برایشان نگه دارد، ولی چون عجله دارد، نمی تواند منتظر شود و باید تا شب حداقل ۱۰۰ میلیون تومان از پول ماشین را فراهم کند. بعد هم به مرد میان سال گفت: «اگر ماشین را می خواهید، من آگهی را پاک می‌کنم، ولی باید مقداری از پول را برایم کارت به‌کارت کنید تا من هم خاطرم جمع شود که شما خریدار هستید و آگهی را پاک کنم.» ساعتی بعد مرد میان سال در سه تراکنش مبلغ ۱۰۵ میلیون تومان به درخواست فروشنده به حساب چند نفر از طلبکارهایش واریز کرد. بعد که دید آگهی از سایت واسطه‌گر حذف شده است، خاطرش جمع شد و فردا طبق وعده‌اش با فروشنده تماس گرفت، اما فهمید که گوشی او خاموش است و این خط دیگر روشن نشد.

سکانس دوم: فروش طلا برای هزینه جراحی

از روزی که مادر خانواده آثار ضعف و بدحالی‌اش هویدا شده بود و متخصصان گفته بودند که باید فوری زیر تیغ جراحی برود، همه خانواده از خواب و خوراک افتاده بودند. شوهر نتایج آزمایش را به چند متخصص دیگر نیز نشان داده بود و همه تشخیص پزشک نخست را تأیید کرده بودند. راه دیگری به جز جراحی پیش روی این خانواده نبود، اما ماجرای هزینه هنگفت جراحی و زیرمیزی درخواست شده برای این خانواده شبیه کابوس بود. پدر خانواده توان پرداخت هزینه‌ها را نداشت. او به هر دری زد تا شاید بتواند بخشی از هزینه جراحی را تأمین کند. حتی برای درخواست وام از بانک‌ها پاشنه بالا کشید و به چندین بانک سر زد، اما دریغ از یک وعده که او را دل خوش کند. مادر خانواده که درد بیماری و درد نداری را با هم می‌کشید، وقتی دید شوهرش توان تهیه این میزان وجه را ندارد، دو حلقه النگو را از دست و گوشواره هایش را به پسر جوانش داد تا بفروشد و هزینه عمل جراحی را فراهم کند.

پسر جوان به درخواست مادرش راهی بازار شد، اما هرچه گشت نتوانست زرگری بیابد که طلاها را با مبلغی نزدیک به قیمت واقعی از او بخرد. پسر که نمی خواست سرش کلاه برود، با پیشنهاد دوستی در یکی از سایت های واسطه‌گر آگهی فروش طلاها را گذاشت. هنوز ساعتی نگذشته بود که فردی با او تماس گرفت و مشخصات بیشتری از طلاها گرفت و قراری برای دیدن گوشواره و النگوها گذاشت. عصر همان روز مردی جوان با یک خودروگران قیمت مقابل خانه آن‌ها آمد و با فروشنده تماس گرفت. لحظاتی بعد مرد جوان که ترازوی مخصوص طلافروشان را به همراه داشت و مدعی بود که کارش خرید طلا در سایت های واسطه‌گر با بالاترین قیمت هاست، مبلغی را برای طلاها پیشنهاد داد که هیچ زرگری حاضر به پرداخت آن نشده بود. پسر که فقط خوش حالی مادرش مدنظرش بود، بلافاصله با قیمت موافقت کرد. موقع پرداخت نیز خریدار همه مبلغ را از طریق نرم افزار بانکی به حساب فروشنده انتقال داد و رسید را نشان داد. بعد نیز به فروشنده گفت: «خیلی عذرخواهی می‌کنم. من تا شب باید برای خرید طلا به دو نشانی دیگر بروم و معمولا واریز وجه با ساتنا تا دو ساعت زمان می برد. اگر ایرادی ندارد، بنده مرخص شوم. البته شماره ام را که دارید. اگر واریز به تأخیر افتاد، به من زنگ بزنید تا از بانک پیگیری کنم.» لحن مؤدب خریدار و خودرو شاسی بلند و لباس های شیکی که به تن داشت، پسر جوان را متقاعد کرد که می تواند به خریدار اعتماد کند. پسر طلاها را با دوستی تقدیم خریدار کرد و از یکدیگر جدا شدند، اما با گذشت دو ساعت، خبری از پیامک واریز نشد. پسر شال و کلاه کرد و پای عابربانک رفت، اما موجودی حسابش تغییری نکرده بود. او برای پیگیری با فروشنده تماس گرفت، اما با شنیدن صدای اپراتور که «دستگاه موردنظر خاموش می باشد»، ناگهان دچار سرگیجه شد.

سکانس سوم: خرید کنسول برای یک بازی پیچیده

تلفن فروشگاه زنگ خورد و فروشنده گوشی را برداشت. آن سوی خط فردی بود که از او مشخصات کنسول های بازی را می‌گرفت. وقتی خریدار گفت «به روز ترین کنسول بازی برای یک بازی پیچیده را می خواهم»، فروشنده موضوع را به مالک فروشگاه اعلام کرد. مالک فروشگاه خودش گوشی را گرفت و با خریدار که قصد خرید دستگاهی گران قیمت را داشت، صحبت کرد. این فرد با حوصله مشخصات همه دستگاه های بازی موجودش را اعلام کرد و دقایقی بعد آن ها برای خرید یک کنسول بازی ۴۰ میلیون تومانی موافقت کردند. فروشنده که در این بازار کساد توانسته بود مشتری خوبی به تور بزند، نشانی فروشگاه را اعلام کرد تا خریدار مراجعه کند، اما خریدار اعلام کرد: «می خواهم دستگاه را به خواهرزاده‌ام هدیه بدهم و سورپرایزش کنم. لطفا یک شماره کارت بفرمایید تا مبلغ را واریز کنم و پیک خدمت می فرستم تا دستگاه را تحویل بگیرد.» فروشنده نیز که از خدایش بود برای فرار از مالیات، کارت کمتری در کارت خوان فروشگاه کشیده شود، شماره کارتش را اعلام کرد و نیم ساعت بعد واریز انجام شد. یک ساعت بعد نیز یک پیک موتوری به فروشگاه آمد و دستگاه را تحویل گرفت و رفت. اما خوش حالی فروشنده تا فردا صبح بیشتر دوام نیاورد و متوجه شد که حسابش مسدود شده است و بعد از پیگیری فهمید که متهم به کلاهبرداری در فضای مجازی شده است و پول واریزی به حسابش، بخشی از پولی بوده است که مردی میان سال برای خرید یک خودرو در سایت های واسطه‌گر به صورت بیعانه پرداخت کرده است.

سکانس آخر: ریزش هرم شرارت

کارشناسان پلیس فتا با شنیدن اظهارات افرادی که قربانی خرید کالاهای ارزان در سایت های واسطه‌گر شده بودند، متوجه شدند که بخشی از وجوه واریزی به صورت بیعانه به حساب برخی فروشنده ها در مشهد و دیگر شهرها واریز شده است. پیگیری موضوع از فروشنده ها نیز نشان داد که آن ها نمی دانسته اند با یک کلاهبردار به صورت تلفنی صحبت می‌کنند و پس از واریز کالاهای درخواستی را به پیک داده اند. شناسایی چند پیک نیز نشان داد که آن ها رانندگان شرکت های تاکسی اینترنتی هستند و پس از دریافت کالاها، این وسایل را در گوشه ای از شهر به افرادی ناشناس که همه شان ماسک بهداشتی داشته اند، تحویل داده اند.

پلیس که با کلافی سردرگم رو به رو شده بود، اقدامات فنی را آغاز کرد. کارشناسان با تحقیقات فنی روی سرنخ های دیجیتالی به جامانده به نشانه هایی از فعالیت چند فرد سودجو در خصوص کلاهبرداری های سایبری دست یافتند و سرانجام مخفیگاه متهمان را در یک مجتمع مسکونی در یکی از شهرهای استان ردزنی کردند. کارشناسان اداره مبارزه با جرائم اقتصادی پلیس فتای مشهد پس از هماهنگی با مقام قضایی چهار متهم که برای خود زندگی لاکچری ساخته بودند، در مخفیگاهشان دستگیر و در بازرسی از محل پنج دستگاه PS4 و PS5، ۱۰ دستگاه تلفن همراه آکبند و چهار دستگاه سیستم صوتی خودرو آکبند به همراه دو قبضه سلاح سرد کشف کردند.

همچنین مأموران توانستند هفده خط تلفن از هفت دستگاه تلفن همراه متهمان و سه دستگاه لپ تاپ کشف کنند. در بررسی های فنی روی تلفن همراه متهمان مشخص شد آن ها با ترفندهای مختلف همچون درج آگهی در سایت های واسطه‌گر با موضوع فروش کالا یا اجاره ویلا، باغ و کنسول بازی، اقدام به دریافت بیعانه از شهروندان کرده اند. آن ها برای اینکه ردی از خود به جا نگذارند، در تماس با فروشنده ها و دریافت شماره حساب آن ها، از قربانیان می خواسته اند بیعانه را به کارت فروشندگان واریز کنند و کالا را توسط پیک دریافت می‌کرده اند.

البته این بخشی از گردونه شرارت بود. آن ها با شناسایی افرادی که قصد فروش کالاهای گران قیمت همچون طلا، پسته، احشام و خشکبار را داشته اند، با مراجعه حضوری با صورت پنهان پشت ماسک بهداشتی به بهانه سرماخوردگی، پس از جلب اعتماد طعمه هایشان هنگام واریز وجه به روش ساتنا و پایا، با این بهانه که عجله دارند، کالا را می‌گرفتند و بدون اینکه ریالی جابه جا کنند، از محل متواری می شدند. پلیس در بررسی این پرونده تاکنون موفق به شناسایی ۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان کلاهبرداری در سراسر کشور توسط این متهمان شده است. همچنین تاکنون ۵۲ مال باخته از متهمان شکایت کرده اند که با هماهنگی قضایی تحقیقات از متهمان ادامه دارد.

حادثه داغ

خانه گلی، مخفیگاه سارقان مرموز

جلائیان| چند روز پیش شهروندی به صورت ناشناس اطلاعات مهمی درباره فعالیت های مجرمانه در یکی از روستاهای بخش رضویه به پلیس ارائه داد. او در یک مکالمه کوتاه با سامانه پلیس ۱۱۰ گفت: «یک سارق سابقه دار در این روستا خانه ای کاهگلی و فرسوده اجاره کرده و آن را به پاتوقی برای سارقان دیگر تبدیل کرده است. این مکان محل تجمع سارقان برای خرید و فروش اموال مسروقه و مصرف موادمخدر شده است.» با توجه به اهمیت این گزارش، سرهنگ محمد چراغ، فرمانده انتظامی مشهد، از فرمانده پاسگاه آبروان خواست تا تحقیقات لازم را درباره این گزارش تلفنی انجام دهد.

سروان حجت مؤمنی، فرمانده پاسگاه آبروان، با توجه به کوچکی این روستا و نسبت فامیلی بیشتر ساکنان آن، از مأموران دایره تجسس خواست تا با انجام تحقیقات میدانی، صحت این گزارش را بررسی کنند.

به دنبال این دستور، چند نفر از مأموران به صورت نامحسوس راهی روستا شدند. آن ها پس از زیرنظر گرفتن خانه کاهگلی مدنظر، متهم را هنگام گشت زنی با یک موتورسیکلت شناسایی کردند؛ موتورسیکلتی که با استعلام پلاک آن، معلوم شد به تازگی از مشهد دزدیده شده است. در ادامه مأموران متوجه شدند که متهم عصر همان روز می خواهد از چند سارق دیگر در پاتوقش میزبانی کند. با تأیید حضور متهم و قرار میزبانی او، مأموران پاسگاه آبروان پس از هماهنگی با مقام قضایی برای دستگیری متهم و میهمانانش وارد روستا شدند. فرمانده عملیات همه تلاشش را کرد تا بدون جلب توجه به محل بروند، اما حضور خودروهای پلیس در محل باعث ایجاد همهمه بین ساکنان روستا و اطلاع متهمان از حضور پلیس شد. متهمان با شنیدن خبر حضور خودروهای پلیس در روستا، پیش از حضور مأموران پای پیاده از محل گریختند.

دقایقی پس از فرار متهمان، مأموران درحالی وارد پاتوق آن ها شدند که شش دستگاه موتورسیکلت سرقتی در ورودی مخفیگاه آن ها پارک و بساط مصرف مواد مخدر هنوز پهن بود. با کشف اموال مسروقه در این مخفیگاه، پلیس تحقیقات گسترده ای برای دستگیری متهم و شناسایی همدستانش آغاز کرده است.

جدول ۴۲۴۶

